



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۰۵	تاریخ	۱۴۰۴/۰۲/۲۰
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل بحث پیشین

اصل بحث ما در نسبت میان خبر ترخیصی و اصل الزامی بود؛ آن هم خبر ترخیصی ای که اعتبارش از علم اجمالی در دایره ترخیصیات به عنوان یکی از اطراف آن علم اجمالی ناشی می شود. در مقابل چنین خبر ترخیصی، اصل الزامی قرار دارد. گفتیم اصل الزامی یا استصحاب حالت سابق است - که مباحث آن گذشت - یا «اصالة الاشتغال» ناشی از علم اجمالی. بحث ما به فرضی رسید که اصل الزامی، اصالة الاشتغال باشد.

مثالی که برای تقریب به ذهن مطرح شد مبنی بر دوران امر بین وجوب نماز جمعه و نماز ظهر در روز جمعه بود. در چنین فرضی، علم اجمالی به وجوب یکی از این دو نماز، مقتضی جریان اصالة الاشتغال و لزوم احتیاط (خواندن هر دو نماز) است. حال اگر خبر ترخیصی واحدی دال بر عدم وجوب نماز جمعه وارد شود، تکلیف چیست؟ آیا می توان به استناد این خبر ترخیصی که مطابق با اصل براءت اولیه در خصوص نماز جمعه است، به ترخیص عمل کرد و علم اجمالی به وجوب احدهما را از تنجیز انداخت؟

گفتیم اشکالی در اینجا وارد می شود نظیر اشکالی که محقق عراقی در جریان استصحاب مطرح کرده بود در آنجا که استصحاب الزامی در مقابل خبر ترخیصی قرار می گرفت و ما گفتیم استصحاب به دلیل اخص بودن بر اصل براءت مقدم می شود؛ محقق عراقی بر همین تقدیم استصحاب اشکال وارد کرد و پاسخ داده شد. حال، نظیر همان اشکال، در اینجا و بر اساس اصالة الاشتغال، قابل طرح است. البته این اشکال را دیگر مرحوم محقق عراقی در خصوص اصالة الاشتغال مطرح نکرده اند، بلکه مرحوم آقای صدر، با الهام از اشکال ایشان در باب استصحاب، آن را نسبت به این فرض بازسازی کرده اند. این اشکال بازسازی شده که هدفش از کار انداختن اصالة الاشتغال است، در چهار بند قابل تقریر است:

۱. دلیل ترخیصی (خبر دال بر عدم وجوب نماز جمعه)، بر اصل عملی جاری در مورد خودش (یعنی اصل برائت از وجوب نماز جمعه) حکومت دارد. هرچند در اطراف علم اجمالی، اصل برائت به دلیل تعارض با اصل برائت طرف دیگر و لزوم مخالفت قطعی با معلوم بالاجمال، جاری نمی شود، اما مجرای اولی آن همین جاست؛ زیرا شک در وجوب نماز جمعه وجود دارد؛ به همین دلیل موضوع اصل برائت در اینجا وجود دارد؛ اما به این دلیل جاری نمی شود که با جریان اصل برائت در طرف دیگر تعارض دارد که منجر به مخالفت با معلوم بالاجمال می شود. در اینجا، چون خبر ترخیصی نیز در همین مورد جاری است، حاکم بر اصل می شود؛ هرچند متوافقین هستند. قاعده این است که اماره بر اصل عملی حکومت دارد؛ حتی اگر با آن موافق باشد؛ در حکومت، شرط نیست که اماره و اصل، متخالف باشند.

۲. از آن جهت که احتمال مطابقت این خبر ترخیصی حاکم با واقع وجود دارد، به استناد همان علم اجمالی کلی به صدور اخبار ترخیصی مطابق با واقع، احتمال داده می شود که اصل برائت در طرف نماز جمعه، به واسطه این خبر ترخیصی واقعی، حقیقتاً محکوم و غیرجاری باشد.

۳. با سقوط اصل برائت در طرف نماز جمعه (به دلیل حکومت خبر)، اصل برائت در طرف دیگر (نماز ظهر) بلامعارض باقی می ماند و جاری می شود؛ زیرا مانع اولیه از جریان برائت در هر یک از دو طرف، تعارض آن با برائت در طرف دیگر بود؛ بدین معنا که اصل جریان اصل برائت در یک طرف، جریان آن در طرف دیگر را تکذیب می کند؛ به این دلیل که علم اجمالی به وجوب یکی از دو طرف وجود دارد. حال که برائت در یک طرف (نماز جمعه) ساقط شده، برائت در طرف دیگر (نماز ظهر) بلامعارض می شود.

۴. بنابراین، وقتی اصل برائت [به واسطه خبر حاکم] در یک طرف (نماز جمعه) جاری نشد و در طرف دیگر (نماز ظهر) بلامعارض جاری شد، دیگر موضوعی برای اصالة الاشتغال باقی نمی ماند؛ زیرا مبنای جریان اصالة الاشتغال، تعارض اصول اولیه بود. در نتیجه، به استناد این اشکال، اصالة الاشتغال جاری نخواهد شد و بلکه اصالة البرائة [در طرف نماز ظهر، پس از حکومت خبر بر برائت نماز جمعه] جاری می شود. این یعنی علم اجمالی از تنجیز ساقط شده و نیازی به احتیاط (خواندن هر دو نماز) نیست.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] احتمال وجود حاکم (یعنی احتمال مطابقت خبر ترخیصی با واقع و در نتیجه حکومت واقعی آن بر اصل برائت یک طرف) کافی است تا آن اصل برائت را از کار بیندازد. نیازی به قطع به حجیت فعلی آن خبر ترخیصی نیست؛ بلکه همین که احتمال مطابقت با واقع داشته باشد، احتمال محکوم بودن اصل برائت داده می شود و همین که احتمال محکوم بودن آن وجود داشته باشد، نمی توان به آن تمسک کرد؛ زیرا باید قطع به حجیت برائت داشت تا بتوان آن را جاری کرد؛ اما در این مورد این احتمال وجود دارد که دلیل برائت، شامل این مورد نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، این شک در کبرای جریان اصل برائت در این مورد است و این شک، متفاوت از شک در مصداق است. به عبارت دیگر، اثر احتمال وجود حاکم مطابق با واقع، مانند اثر قطع به وجود حاکم است. در اینجا که احتمال وجود حاکم وجود دارد، بدین معناست که این احتمال وجود دارد که دلیل ترخیصی در اینجا وجود نداشته باشد.

خلاصه اینکه این اشکال، بیان می کند که اصالة الاشتغال در این مورد از کار می افتد.

پاسخ حلی اشکال

جواب از این اشکال آن است که این خبر ترخیصی (که طبق فرض اشکال، حاکم بر اصل برائت در طرف اول یعنی نماز جمعه است)، همان طور که به دلالت مطابقی بر اصل برائت در طرف اول حکومت دارد، به دلالت التزامیه بر اصل برائت در طرف دوم (نماز ظهر) نیز حکومت دارد. به عبارت دیگر، در اینجا دو حکومت وجود دارد:

۱. حکومت خبر ترخیصی به دلالت مطابقی بر اصل برائت جاری در طرف نماز جمعه.
۲. حکومت خبر ترخیصی به دلالت التزامی بر اصل برائت جاری در طرف نماز ظهر به این صورت که با توجه به وجود علم اجمالی مستقل به اینکه «یا نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر»، همین خبر ترخیصی، یک مدلول التزامی مهم پیدا می کند و آن این است که: «پس نماز ظهر واجب است». این مدلول التزامی خبر (نماز ظهر واجب است)، خود به عنوان یک اماره، بر اصل برائت جاری در طرف نماز ظهر نیز حکومت می کند و از جریان آن جلوگیری می کند.

بنابراین، خبر ترخیصی واحد، همزمان با مدلول مطابقی خود، اصل برائت را در طرف نماز جمعه ساقط می کند و با مدلول التزامی خود، اصل برائت را در طرف نماز ظهر نیز ساقط می نماید. در نتیجه، این گونه نیست که اصل برائت در طرف نماز ظهر بلامعارض باقی بماند. بلکه با سقوط اصل برائت در هر دو طرف، همچنان موضوع برای جریان اصالة الاشتغال و لزوم احتیاط باقی است. پس اصالة الاشتغال از کار نمی افتد.

پاسخ نقضی اشکال

علاوه بر این پاسخ حلی، مرحوم صدر یک پاسخ نقضی نیز-مشابه آنچه در بحث استصحاب مطرح شد- بر این اشکال وارد می کنند. اجمال این پاسخ این است که اینکه اگر بپذیریم صرف وجود خبر ترخیصی محتمل الصدق، با حکومت بر اصل برائت یک طرف، مانع از تعارض اصول و در نتیجه مانع از جریان اشتغال می شود، این امر منجر به نتیجه غریبی می شود که عبارت است از اینکه در طرفی از علم اجمالی که خبر ترخیصی وجود دارد-مثلاً نماز جمعه-، اصل برائت جاری نشود اما در طرف دیگر که خبر ترخیصی وجود ندارد، اصل برائت جاری شود.

ان شاء الله ادامه مباحث در جلسه آینده پیگیری خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين